

باورهای عامیانه ترکمنان (بخش هفتم)

باورهای مرتبط با ازدواج و عروسی

قسمت اول



■ ترجمه و تألیف: آنادردی کریمی
نویسنده، مترجم و پژوهشگر
فرهنگ و ادبیات ترکمن

■ چکیده

فرهنگ تاریخی و تاریخ فرهنگی قوم ترکمن، پیوند تنگاتنگی با مقوله‌ی باور دارد، که در زبان ترکمنی به آن «اُرم» می‌گویند. این پیوند به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت بخش عمده‌ای از فرهنگ قوم ترکمن بر مدار باورها استوار است؛ چنان‌که در طول تاریخ کهن این قوم، اغلب رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی مردم ترکمن تحت تأثیر باورهای آنان بوده است. در بین ترکمن‌ها، به عنوان یک جامعه‌ی ایلی، بنیان خانواده برترین و والاترین جایگاه را در بنیان‌های اجتماعی دارد و به همین نسبت، ازدواج با همسرگزینی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، آداب و رسوم مرتبط با آن دارای تشریفات خاصی است و باورهای متعددی به منظور برگزاری این آئین و حفظ و بقاء پیوند زناشویی، وجود دارد. در یادداشت پیش‌رو صرف‌نظر از چندوچون برگزاری مراسم ازدواج و عروسی ترکمن‌ها، صرفاً به معرفی باورهایی خواهیم پرداخت که در شکل‌گیری آداب و رسوم ازدواج ترکمن‌ها نقش مستقیم یا غیرمستقیم داشته‌اند. داده‌های این پژوهش از دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی به‌دست آمده است؛ در مطالعات کتابخانه‌ای سعی شده منابع موجود فارسی و ترکمنی در رابطه با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و در مطالعات میدانی نیز با افراد متعددی از طوایف مختلف ترکمن گفت‌وگو به‌عمل آمده است.

واژگان کلیدی: قوم ترکمن. ازدواج. عروسی. باورها. آیین‌ها

■ مقدمه

ازدواج، به‌عنوان یکی از عوامل بقاء نسل و هم‌چنین عاملی برای ایجاد پیوند خویشاوندی، از وقایع مهم و تأثیرگذار در زندگی هر یک از افراد جامعه محسوب شده و آئین‌های مرتبط با آن نیز یکی از قدیمی‌ترین و نخستین آیین‌های بشر در ارتباط با تعاملات انسانی و اجتماعی هستند. ازدواج، در همه فرهنگ‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و آداب و رسوم جوامع گوناگون جهان - اعم از شرقی و غربی - داشته است. در اغلب فرهنگ‌ها، چه مرد و چه زن، پس از این‌که به سن بلوغ رسیدند، تکامل شخصیت خود را اختیار نمودن همسر می‌دانند. ازدواج و تولیدمثل، به قدرت خانواده و طایفه می‌افزاید و موجب رشد سریع جمعیت می‌شود. در ادیان مختلف، به‌ویژه دین اسلام نیز بر امر ازدواج تأکید زیادی شده است.

ترکمن‌ها هم‌چون دیگر اقوام و ملت‌ها، برای ازدواج اهمیتی فوق‌العاده قائل هستند. از نظر ترکمن‌ها - به‌ویژه در نسل‌های گذشته - ازدواج عاملی برای انسجام و پیوستگی اعضای جامعه، ازدیاد نسل و افزایش تعداد اعضای قبیله، تصاحب نیروی کار زنان برای اداره خانواده، ادامه حیات ایل و افزایش جمعیت ایل و طایفه، مخصوصاً افزایش جمعیت مردان، به خاطر حفظ و حراست از کیان ایل در مقابل دشمنان و... می‌باشد.

از گذشته‌های بسیار دور، آیین ازدواج و همسرگزینی در بین تمامی اقوام و جوامع بشری دارای آداب و رسوم خاصی بوده، که این آداب و رسوم تابع باورهای گوناگون و این باورها نیز تابع فرهنگ قومی، آموزه‌های دینی و مذهبی، شرایط اقلیمی، سبک زندگی، اقتصاد خانواده و عوامل متعدّد دیگر هستند. قوم ترکمن که در تمامی ارکان زندگی فردی، خانوادگی و قبیله‌ای خود آداب و رسوم و باورهای خاص و پُررنگی دارند، در ارتباط با مراحل مختلف آئین همسرگزینی و ازدواج نیز آداب، رسوم و باورهای قابل توجهی داشته و دارند.

در امر ازدواج و مراسم عروسی ترکمن‌ها، باورهای عامیانه جایگاه بسیار مهمی دارند. از آغاز تا پایان مراسم عروسی ترکمن‌ها باورهای متعددی وجود دارد، که این باورها در میان قبایل و طایفه‌های مختلف ترکمن، دارای تفاوت‌هایی است.

ترکمن‌های باستان، که اکثراً زندگی عشایری داشتند، در مسیر کوچ‌روی خود و تحت تأثیر شرایط اقلیمی سرزمین‌هایی که در آن‌ها بیلاق و قشلاق می‌کردند، آداب و باورهای گوناگونی را در ارتباط با مراسم ازدواج خلق کرده‌اند. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت، این است که باورهای قومی ترکمن‌ها یک‌بار پس از پذیرش دین اسلام (از سده چهارم هجری به بعد) و بار دیگر پس از ورود به دوران مدرن و رواج تحصیلات کلاسیک (حدوداً از ۱۳۰۵ خ به بعد) دستخوش تغییر و تحولات جدی شده است. اما با این وجود هم‌چنان در بین باورهای فرهنگی این قوم، رگه‌ها و نشانه‌هایی از باورهای دوران باستان وجود دارد، که قطعاً ثبت این باورها در شناخت بهتر و درست‌تر این قوم و ریشه‌های فرهنگی-تاریخی آن‌ها مؤثر خواهد بود. باورهایی که ابتدا از اقلیم و مظاهر طبیعی آسمانی و زمینی، سپس از آموزه‌های دینی و مذهبی و پس از آن، از سبک زندگی، اقتصاد معیشتی، تعاملات اجتماعی بین قومی و فراقومی و... سرچشمه گرفته‌اند.

در طول تاریخ، با تغییر سبک زندگی ترکمن‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم آنان دستخوش تغییرات جدی شده، اما باورهای آنان به سختی تغییر یافته است. لکن در چند دهه‌ی اخیر و در بین نسل‌های جدید قوم ترکمن، این باورها به‌طور جدی رنگ باخته و در آینده‌ای نه‌چندان دور تماماً رو به فراموشی خواهد رفت. بنابراین با توجه به این‌که از یک سو باورهای هر جامعه، یکی از مهمترین اسناد مطالعه و شناخت آن جامعه به‌شمار می‌روند، و از سوی دیگر این باورها در حال منسوخ شدن هستند، راهی جز ثبت دقیق این باورها وجود ندارد. بنابراین هدف اصلی از نگارش این یادداشت، معرفی و ثبت دقیق مهمترین باورهای قوم ترکمن در ارتباط با ازدواج است، که البته در برخی موارد علاوه بر معرفی باورها، تحلیل مختصری نیز ارائه شده است. در پایان لازم به یادآوری است که در این نوشتار قصد پرداختن به چگونگی سنت‌ها و آداب و رسوم عروسی ترکمن‌ها را نداریم، بلکه صرفاً به معرفی مهمترین باورهای قوم ترکمن در ارتباط با آیین ازدواج خواهیم پرداخت و البته در مواردی برای تفهیم بهتر مطلب، به برخی از آداب و رسوم عروسی ترکمن، به‌طور اجمال و گذرا، اشاره خواهد شد.

■ باورهای مرتبط با انتخاب دختر و جلب نظر خانواده‌ی او

برخلاف شرایط کنونی که پسران و دختران، خودشان همسران آینده خود را برمی‌گزینند، در گذشته معمولاً انتخاب همسر مناسب برای یک پسر، از جانب والدین پسر صورت می‌گرفت، که البته انتخاب دختر نیز به باورهای ایلی و طایفه‌ای، جایگاه خانواده در طایفه و ایلی، آداب و رسوم خاص خانواده و ایلی و... بستگی داشته است. در هر حال، در بین ترکمن‌ها چنین مرسوم است که پس از در نظر گرفتن دختر مورد نظر، شخصی را برای دانستن نظر خانواده عروس می‌فرستند، که معمولاً این شخص فردی باتجربه و هم‌چنین سخنگوی خوبی است. در ترکمنستان به این نمایندگان «سؤزآیدیچی» می‌گویند؛ این اصطلاح از واژه‌های «سؤز» به معنای «سخن» و نیز «آیدیچی» به معنای «گوینده»، تشکیل شده و وجه تسمیه‌اش این است که او وظیفه دارد با رفتن نزد خانواده دختر، موضوع را طرح نماید. نمایندگان مورد نظر، غالباً «روز چهارشنبه» را برای این منظور انتخاب می‌کنند. معمولاً خانواده‌ی پسر یک «کله‌قند» به سؤزآیدیچی می‌دهند تا در این روز به خانواده‌ی دختر (عروس) هدیه دهد؛ علت انتخاب روز چهارشنبه این است که ترکمن‌ها این روز را «روز با خیر و برکت» و «خوش‌یمن» می‌دانند. فرستادن کله‌قند برای خانواده‌ی عروس نیز کارکرد سمبولیک داشته و خانواده‌ی پسر این کار را با نیت خاصی انجام می‌دهند؛ خانواده پسر با فرستادن کله‌قند برای خانواده دختر، قطعاً دو ویژگی قند، یعنی «رنگ سفید» و «مژه‌ی شیرین» را مدنظر قرار می‌دهد. رنگ سفید قند از یک نظر نماد اخلاص، عفت، پارسایی، عصمت، حقیقت و از نظر دیگر نشانی از شادی، سرور و نوید از خوشبختی و القای باور سفیدبختی و اقبال است. شیرین بودن قند نیز به این معناست که آرزومند پیوندی شیرین و زندگی جدید هستند. بنابراین کله‌قند که حجم زیادی از سفیدی و شیرینی را دربر دارد، به معنای آرزوی نهایت سفیدبختی و کمال کامروایی خواهد بود.

سؤزآیدیچی به عنوان نماینده و فرستاده‌ی خانواده‌ی پسر، موضوع را با خانواده دختر درمیان گذاشته و نظر آنان را جویا می‌شود. او در صورتی که از خانواده دختر پاسخ مثبت بگیرد، پیش از بیرون آمدن از خانه و حرکت به سمت خانه‌ی پسر، تگه‌ای نان و یا قند و شکلاتی از سفره‌ی خانه دختر برمی‌دارد. البته این کار را به گونه‌ای انجام می‌دهد که کسی از خانواده دختر متوجه نشود. سپس آن چه را که از سفره خانواده دختر برداشته، با خود به خانه پسر می‌آورد و به خانواده پسر می‌دهد. رسم بر این است که خانواده پسر، این تحفه را بر پیشانی گذاشته و برای سؤزآیدیچی دعای خیر می‌نمایند. به‌طور مثال می‌گویند: «الهییم اوزاغیندان، سویجی قاتناشماق نصیب اتسین» (یعنی: دعا می‌کنیم سال‌ها روابط شیرینی داشته باشیم)

■ باورهای مرتبط با خواستگاری

خواستگاری نیز با آداب و رسومی همراه است. در ادامه ضمن اشاره‌ای اجمالی به برخی از این آداب و رسوم، بیشتر به بیان باورها پرداخته خواهد شد.

بعد از آن که نظر خانواده‌ی دختر را جلب کرده و اجازه‌ی اولیه را از آنان گرفتند، از طرف خانواده پسر، عده‌ای برای «دوز دادیشماق» (یعنی از دست یکدیگر طعام خوردن و برقراری ارتباط صمیمی)، نزد خانواده دختر می‌روند.

قبل از شرح این مرحله، باید به نکته مهمی اشاره کنیم و آن این است که ترکمن‌ها برای انجام هر امری، به روزهای سعد و نحس اعتقاد ویژه‌ای دارند. به همین مناسبت، برای انجام خواستگاری نیز، که امری مهم و سرنوشت‌ساز است، یک روز سعد را انتخاب می‌کنند.

همان‌طور که در مبحث سؤزآیدیچی مطرح شد، یکی از روزهای خوش‌یمن در نزد ترکمنان، روز چهارشنبه است؛ آنان برای خواستگاری نیز این روز را انتخاب می‌کنند. البته عده‌ای از ترکمنان روز شنبه را برای این امر مناسب می‌دانند. اما برخی طوایف مانند نُخُورلی‌ها روز شنبه را برای خواستگاری خوش‌یمن نمی‌دانند. در ماجرای رفتن به خواستگاری، علاوه بر انتخاب روز سعد و خوش‌یمن، از برخی باورهای دیگر که نماد خوش‌یمنی است، تبعیت می‌شود؛ به عنوان مثال: در روز خواستگاری، زنان «روسری سفید به سر می‌کنند» و گروهی که به خواستگاری آمده‌اند «به پلک‌های چشمان خود، پنبه سفید می‌چسبانند». این کار نیز براساس باور به خوش‌یمنی رنگ سفید انجام شده و این باور عامیانه، به‌طور عمومی پذیرفته شده و اجرا می‌شود.

ترکمنان تگه به هنگام رفتن به خواستگاری، سوزن نخ‌دار سفید را در مسیر راه می‌اندازند، که این کار نیز به مفهوم آرزوی موفقیت در مسیری که قدم برداشته‌اند و سهولت در انجام کارشان است. در واقع بازم رنگ سفید نخ نشانه‌ی خوش‌یمنی و «نخ و سوزن» نیز نماد پیوند دادن و برقراری وصلت است.

بردن نمک و نان به خانه‌ای که قرار است با آن‌ها خویشاوند سببی شوند، از جمله باورهای مردم ترکمن

است. هم‌چنین، هنگام بازگشت به خانه خود، از خانه دختر نمک و نان به همراه می‌برند و از نمک و نان آن‌ها می‌خورند. معنای این کار آن است که ما برای غودا (خویشاوند) شدن آمده‌ایم و می‌خواهیم با شما قوم و خویش شویم. در واقع با این کار، دو خانواده نمک‌گیر یکدیگر می‌شوند.

«ساوچی»ها یعنی خواستگاران، دومین باری که به خانه دختر می‌روند، شیرینی و خوراکی‌های شیرین می‌برند و می‌گویند: بیا بید شیرینی بخوریم و شیرین صحبت کنیم و همدیگر را نرنجانیم. در آخرین بار نیز گوشت پخته شده به خانه دختر می‌برند.

نان، نماد رزق و روزی فراوان، زندگی مرقه و دارایی است؛ نمک نشان‌دهنده‌ی صمیمیت و دوستی، شکر و شیرینی نماد همزیستی شیرین و هماهنگی و در نهایت، گوشت نشانه‌ی پایان گرفتن و به سرانجام رسیدن این کار است. این رویدادها به‌عنوان باورهای عامیانه‌ی ترکمن پذیرفته شده‌اند. اگر هدایا پذیرفته شوند و مواد خوردنی خورده شوند، به این معنی است که آن‌ها با رضایت قلبی با این پیوند موافق‌اند.

در میان ترکمن‌های افغانستان، موقعی که خواستگار با موفقیت و جواب مثبت به خانه داماد بازمی‌گردد، تگه‌قندهایی را که خانواده دختر به او داده‌اند، میان پسران و دختران مجزّد پخش می‌کند، تا بخت آنان نیز باز شود.

■ باورهای مربوط به قبل از مراسم گلین‌آلیچی (عروس‌کشان)

در بین ترکمنان چنین مرسوم است که برای دوختن لباس‌های دختری که قرار است ازدواج کند، سر نخ را گره نمی‌زنند و به عبارت دیگر، دوختن لباس را بدون گره زدن نخ، آغاز می‌کنند. این مورد با این آرزوی نیک انجام می‌شود که: «در زندگی خانوادگی آنان گره نیفتد و پسر و دختر متحد و یکدل زندگی کنند».

برای دوختن لباس عروس، غالباً خانواده عروس از یک زن محترم که دارای فرزندان زیادی است، دعوت می‌کنند و از او می‌خواهند که پیراهن عروسی دخترشان را بُرش دهد. آن زن نیز با بیان این جمله «به دست من نه، بلکه به دست عایشه فاطمه باشد»، لباس را بُرش می‌دهد و مطابق با آداب و رسوم رایج، غالباً این پیراهن را **پینگه‌ی دختر** (همسر برادر یا همسر عموی دختر) می‌دوزد.

در بین اغلب اقوام و طوایف ایران، تهیه‌ی بستر (تُشک، لحاف، بالش) عروس و داماد، برعهده‌ی خانواده‌ی عروس است و باتوجه به این‌که در بین تمامی اقوام بستر عروس و داماد مکانی متبرک و دارای نوعی تقدّس و نماد تولید نسل و فرزندآوری است، بنابراین دوختن این بستر نیز در بین اقوام مختلف با آداب و مراسم گوناگونی همراه می‌باشد. چنان‌که در میان برخی از ترکمنان چنین مرسوم است که خانواده دختر، در روزهای قبل از عروسی، در یک دوره‌می، مراسم دوختن لحاف را برگزار می‌کنند؛ پینگه‌های داماد (همسر برادر یا همسر عموی داماد) هم باید در این مراسم حضور داشته و در لحاف‌دوزی شرکت کنند. این مورد با نیت و آرزوی همدلی و اتحاد و ایجاد رابطه مناسب بین دو طرف انجام می‌شود. در این مراسم دو خانواده‌ی



عروس و داماد با این آرزو و نیت که پیوند خویشاوندی به خوشی و حلاوت بین آنها برقرار شود، بین کودکان اسباب بازی پخش می‌کنند.

درواقع چنین به نظر می‌رسد که حضور همسرِ برادرِ دختر، همسرِ برادرِ پسر، همسرِ عمویِ دختر و همسرِ عمویِ پسر (پنگه‌های عروس و داماد) در مراسمِ دوختن پیراهن عروس و یا دوختن لحاف عروس و داماد، به این منظور است که دختران یا زنانی که پیش از این به عنوان عروس وارد خانواده‌ی پسر و دختر شده و پیمان خویشاوندی آنان به خوبی و خوشی برقرار گردیده، به عنوان نشانه‌هایی از تجربه‌ی پیوند سببی و ایجاد پیمان خویشاوندی موفق، در مراسم حضور داشته باشند. از سوی دیگر، وقتی که عروس‌های پیشین خانواده‌های عروس و داماد در مراسم شرکت می‌کنند، بدین معنی است که پیش از این نیز پیوندهای خویشاوندی موفق در دو خانواده صورت گرفته و تاکنون نیز پایدار و برقرار مانده است. علاوه بر این، عروس‌های سابق که خود قبلاً این مسیر را پشت سر گذاشته‌اند، به عنوان نمادی از هموار کردن مسیر برای عروس جدید، در مراسم مشارکت می‌کنند.

نُخوری‌ها مراسمی با نام «دوقوز بیچمه» یا «دوقوز بوچماخ» دارند و این مراسم بدین صورت است که نزدیکان عروس و داماد در

منزل عروس جمع شده و هدایایی مانند پارچه می‌آورند و پارچه‌های خود را تحویل خانواده عروس و داماد می‌دهند و تأکید دارند که این امر حتماً بایستی در زمان پیش از ظهر انجام شود و معمولاً پس از ظهر این عمل صورت نمی‌گیرد. درضمن، برای انجام این مراسم، روزهای جمعه و شنبه را انتخاب نمی‌کنند و معتقدند که چنانچه روز شنبه لباس دوخته شود، آن لباس خواهد سوخت.

این مراسم باید در روزهای دوشنبه یا چهارشنبه انجام شود. اما اگر در روز چهارشنبه مراسم دیگری پیش آید و نتوانند این مراسم را برگزار کنند، در روز چهارشنبه یک چیز شیرین مثل شکلات یا یک خوراکی دیگر را به خانه پدر و مادر عروس می‌برند و روز دیگر، مثلاً پنجشنبه به خانه عروس می‌روند و ضمن این‌که می‌گویند: «می‌خواستیم چهارشنبه بیاییم و این کار را بکنیم، ولی کاری پیش آمد و نتوانستیم بیاییم» مراسم دوختن لباس را برگزار می‌کنند. درواقع وقتی روز چهارشنبه شیرینی یا خوراکی دیگری را در خانه والدین عروس می‌گذارند، به این منزله است که مراسم را در روز چهارشنبه آغاز کرده و در روز دیگری آن را ادامه داده و به انجام رسانده‌اند.

■ باورهای مربوط به تعیین روز عروسی (روزهای سعد و نحس)

پس از انتخاب دختر و انجام خواستگاری، نوبت به تصمیم‌گیری درباره زمان برگزاری مراسم عروسی می‌رسد. ترکمن‌ها روز برگزاری مراسم عروسی را با توجه به «اثرنم‌ها» (باورهای عامیانه)، تعیین می‌کنند. اثرنم‌ها، در شیوه زندگی خانوادگی و اجتماعی ترکمن‌ها و هم‌چنین در برگزاری مراسم ازدواج آنان، جایگاه بسیار مهمی دارند. انتخاب تاریخ دقیق عروسی از سوی پدر داماد، یک موضوع مهم و قابل ملاحظه است. در تقویم فرهنگی قوم ترکمن، تاریخ‌های معینی نحس و مابقی فرخنده، یا خوش‌یمن محسوب می‌شوند. زمانی می‌توان برنامه‌های عروسی را آغاز کرد که برای این کار یک روز خوش‌یمن انتخاب شده باشد. یکی از اعتقادات ترکمن‌ها «سعد و نحس» بودن روزهاست، که در مورد کوچ، عروسی و... به شدت مراعات می‌شود. اعتقاد بر این است که اگر هر یک از این رویدادها در یک روز نحس انجام گیرد، اتفاق بدی رخ خواهد داد. بنابراین بسیاری از ترکمن‌ها به برگزاری مراسم عروسی در روزهای سعد تأکید داشته و به هیچ وجه در غیر از این روزها، جشن عروسی را برگزار نمی‌کنند و بر این باورند که اگر عروس را در روز نحس به خانه بیاورند، آن عروس خوش‌قدم نخواهد شد.

بنابراین ترکمن‌ها تاریخ روز عروسی را بر اساس یکی از روزهای سعد تعیین می‌کنند. در بسیاری مواقع نیز تاریخ برگزاری عروسی از سوی ملأ تعیین می‌شود و او با نگاه کردن به ستاره‌ها، این تاریخ را مشخص می‌کند. ترکمن‌ها به منظور برگزاری مراسم عروسی، به موقعیت قرارگرفتن ستاره‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌دهند؛ آنان بر این باورند که اگر ستاره در روبه‌رو باشد، آن روز بدیمن و اگر پشت سر باشد، آن روز خوش‌یمن است. علاوه بر این، مراسم عروسی هرگز در طی ماه‌های «صاپرای» و «بوش‌آی» (مطابق با ماه‌های صفر و ذی‌القعدة از تقویم هجری قمری) برگزار نمی‌شوند. ماه «آرازای» که نهمین ماه از تقویم هجری قمری (برابر با ماه رمضان) است، هرچند جزو ماه‌های نحس محسوب نمی‌شود، اما در باور ترکمن‌ها برای عروسی مناسب نیست؛ ترکمن‌ها غیر از سه ماه یادشده، سایر ماه‌ها را برای برگزاری مراسم عروسی مناسب می‌دانند.

روز قطعی برگزاری مراسم عروسی نیز بر مبنای «احکام سفر»؛ یعنی مطابق با روزهای خوش‌یمن برای حرکت و سفر، انتخاب می‌گردد؛ یعنی همان‌طور که بر این باورند که اگر برای انجام کاری، در یک روز نحس مسافرت کنند، آن کار منجر به رنج و دردسر خواهد شد؛ به همین مقیاس، اگر انتقال عروس به خانه‌ی شوهر در یک روز نحس انجام گیرد، حاکی از بدشگون بودن ازدواج خواهد بود. به عبارت دیگر، ترکمن‌ها انتقال دختر از خانه‌ی پدر و مادر به خانه‌ی شوهر را نوعی سفر قلمداد کرده و برخی از احکام و باورهای مرتبط با سفر را در مورد آن اعمال می‌دارند. بنابر باور ترکمن‌ها روزهای چهارم، هفتم، چهاردهم، هفدهم، بیست و چهارم و بیست و هفتم، از تقویم هجری قمری، خوش‌یمن‌ترین روزها هستند و روزهای دوم، پنجم، دوازدهم، پانزدهم، بیست و دوم، بیست و پنجم هر ماه، نیز پسندیده می‌باشند. درحالی که سایر روزها کاملاً نحس به‌شمار می‌آیند.

البته ممکن است روزهای سعد و نحس در بین طایفه‌های مختلف ترکمن متفاوت باشد؛ چنان‌که برخی از

ترکمن‌ها در تقویم هجری قمری، آن روزهای ماه که عدد آخر آن‌ها به ۷ یا ۹ ختم می‌شود (روزهای ۷، ۱۷، ۲۷، ۲۹، ۱۹، ۲۹) را از روزهای سعد دانسته و برای انجام اعمال خیر در نظر می‌گیرند.

آنولی‌ها روز مناسب برای برگزاری مراسم عروسی را براساس وضعیت ستارگان، تعیین می‌کردند، که اصطلاحاً به آن «ساعتلی‌گون» می‌گویند. علاوه براین، آنان معمولاً روزهای ۷، ۱۷ و ۲۷ ماه را برای برگزاری مراسم عروسی مناسب می‌دانستند. در میان نُخوری‌ها، عروسی در دو ماه «عاشترآیی» (محرم) و «صاپرآیی» (صفر) برگزار نمی‌شود، چراکه آنان این دو ماه را خوش‌یمن ندانسته و بر این باورند که در ماه محرم به خاطر شهادت امام حسین (ع) و در ماه صفر به خاطر رحلت پیامبر (ص) برگزاری عروسی نتیجه‌ی خوبی نخواهد داشت.

طایفه‌ی داز، ساکن روستای صوفی‌شیخ، از توابع بخش مرکزی شهرستان کلالة، در روز جمعه عروسی نمی‌گیرند، چون بر این باورند که برگزاری مراسم عروسی در روز جمعه، موجب بروز دعوا، نزاع و خونریزی خواهد شد، یا کجاوه تصادف خواهد کرد و به‌طور کُل برگزاری عروسی در این روز را خوش‌یمن نمی‌دانند؛ چنان‌که این تجربه نیز در ذهن آنان مانده که فردی در روز جمعه عروسی گرفت و در آن مراسم چهار نفر باهم درگیر شدند و همدیگر را با چاقو زخمی کردند.

باتوجه به آن‌چه که بیان شد، در بین ترکمن‌ها تعیین زمان برگزاری مراسم عروسی نیز با آداب و رسومی همراه بوده است؛ چنان‌که پدر داماد یا کسی که بر داماد حکم پدری یا بزرگتری داشت، روز عروسی را با نظر و مشورت بزرگان و هم‌چنین خانواده عروس تعیین کرده و سپس خانواده داماد از آشنایان، دوستان و همسایگان خود برای شرکت در مراسم عروسی دعوت به عمل می‌آورد.

در برخی از مناطق ترکمن‌نشین چنین مرسوم بوده است که چند نفر از خانواده عروس به خانه‌ی آشنایان مراجعه و آنان را دعوت می‌کردند. برخی از این دعوت‌ها، با باورهایی همراه بوده، که برای نمونه به یک مورد از این رسوم با نام «اوباجاگیرما» (دعوت هم‌محل‌ها و فامیل‌ها و...) اشاره خواهد شد: در این مورد یک‌الی دو نفر (زن یا دختر) مقداری سنجد را در سبیدی ریخته، به خانه‌ی همسایه‌ها و هم‌محل‌ها مراجعه نموده و آنان را دعوت به عروسی می‌کردند و ضمن گفتن تاریخ مراسم و نام صاحب عروسی، مقداری از آن سنجد را به دعوت‌شدگان می‌دادند، سپس صاحب‌خانه که ضمن گفتن عبارت «مبارک بولسون» (مبارک باشد)، می‌گفت: «بیزه ده الله یتیرسین» یعنی: «خداوند متعال ما را هم موفق به چنین کاری کند و یا چنین روزی را نصیب ما هم بکند»، سپس سنجدهایی که به عنوان تبرک عروسی دریافت کرده بود را سه بار یواش به پیشانی خود می‌زد. با توجه به این‌که امروزه از طرف خانواده داماد به مدعوین کارت دعوت داده می‌شود، بنابراین این روش سنتی دعوت از همسایگان و آشنایان منسوخ شده و به تبع آن، باورهای مرتبط با این رسم نیز رو به فراموشی رفته است.

■ باورهای مرتبط به مراسم گلین‌آلیجی (عروس‌کشان)

یکی از مهم‌ترین رسوم مرتبط با آئین ازدواج، بردن عروس از خانه‌ی پدر و مادر به خانه‌ی شوهر است، که

این رسم را در زبان فارسی «عروس‌کشان» و در ترکمنی «گلین آلیجی» می‌گویند. اصطلاح «گلین آلیجی» به معنی «گیرنده عروس»، دلالت دارد بر گرفتن دختر از خانه‌ی پدر و بردن او به خانه‌ی شوهر. کاروان متشکل از اقوام خانواده داماد، که برای آوردن عروس، به سمت خانه‌ی پدر عروس حرکت می‌کنند، اصطلاحاً «کچپه» (کجاوه) یا «گلین آلیجی» (گیرنده عروس) نامیده می‌شود. بنابراین، اصطلاح «گلین آلیجی» هم به مراسم و هم به کاروانی که این مراسم را برگزار می‌کنند، اطلاق می‌شود.

در این مراسم نیز برخی از باورهای عامیانه وجود دارد؛ چنان‌که وقتی برای آوردن عروس می‌روند، از مسیری می‌روند که ستاره روبه‌روی آنان نباشد. مخصوصاً اگر ستاره‌ی مریخ در پیش‌رو باشد، شگون ندارد. چراکه در اسطوره‌شناسی فلکی، مریخ نماد جنگ و خونریزی است.

در برخی از مناطق ترکمن نشین نیز مراسم عروس‌کشان (گلین آلیجی) را با نام «آت‌غولاق» می‌شناسند. اصطلاح «آت‌غولاق» مرکب از دو واژه «آت» به معنی اسب و «غولاق» به معنی گوش و در مجموع به معنی «گوش اسب» است. در واقع، زمانی که یک گروه سواره می‌خواستند از خانه‌ی داماد راه بیافتند، تا بروند عروس را بیاورند، به مرکب‌های خود «آت‌غولاق» می‌بستند، که البته این آت‌غولاق‌ها باید جفت می‌بودند. به عبارت دیگر، در گذشته که برای آوردن عروس با اسب می‌رفتند، به هر دو گوش اسب‌ها دستمال ابریشمی می‌آویختند، که به همین خاطر این مراسم را نیز «آت‌غولاق» می‌خواندند و حتی امروزه هم که دیگر برای آوردن دختر با اسب نمی‌روند، هم‌چنان این مراسم با همین نام خوانده می‌شود. البته در زمان حاضر هم که به جای اسب از اتومبیل استفاده می‌کنند، دو دستمال را به آینه‌های بغل اتومبیل می‌بندند. در برخی مناطق وقتی کاروان عروس برای آوردن عروس رهسپار می‌شود، دو قرص نان گرد هم به همراه برده می‌شود و آن دو نان را به اولین فردی که برمی‌خورند می‌دهند. این عمل با این آرزو و نیت انجام می‌شود که این کار عروس را از «چله» حفظ کرده و کاروان عروس به سلامتی برود و برگردد. در روایتی دیگر از همین باور، گفته می‌شود: موقع ازدواج پسر و برگزاری مراسم عروسی و رفتن کجاوه، به نیت آن‌که کاروان عروسی به سلامتی برود و برگردد، دو قرص نان را داخل روسری سفید گذاشته و به یک رهگذر می‌دهند.

در نزد آنولی‌ها وقتی کاروان گلین آلیجی به خانه عروس می‌رسید، در یک دست نان و در دست دیگر آینه‌ای گرفته و ترانه مخصوص عروسی به نام «یارپار» را می‌خواندند، که در این مورد «نان» نماد فراوانی و رزق و روزی و «آینه» نماد شفافیت و پاکی زندگی بوده است.

وقتی که کاروان عروس به خانه عروس می‌رسد، از سوی خانواده عروس مورد استقبال قرار گرفته، مادر عروس در حالی که ظرفی سفیدرنگ، حاوی مقداری آرد سفید در دست دارد، به استقبال کاروان رفته، مُشتی از آن آرد برداشته، به ماشین‌های کجاوه می‌افشاند.

هم‌چنین مادر عروس، به یمن این‌که امروز روز سپیدبختی و خوش اقبالی دوتا از جگرگوشه‌های دو خانواده است، به روی روسری خانم‌های بزرگسال که جلوتر از بقیه در دست‌شان شکلات و شیرینی است، آرد

می‌افشاند و با این کار در بهترین لحظات زندگی خود، برای فرزندان (عروس و داماد) آرزوی خوشبختی می‌کند. وقتی گروه کجاوه از طرف خانواده داماد به خانه عروس می‌روند، تا عروس را با خود بپرند، هدایایی نیز برای عروس و خانواده‌ی او به همراه می‌آورند، که این هدایا شامل «دوقوزها»، «سویجلیک‌ها» و چیزهای دیگر است. به عبارت دیگر، یکی از آداب مراسم گلین‌آلیجی، تحویل دادن «دوقوزها» و «سویجلیک‌ها» به خانواده عروس است؛ «دوقوز»، عبارت است از دو بچه، که معمولاً داخل آن‌ها ۹ الی ۱۲ قطعه شلوار زنانه، پارچه پیراهن و سایر لوازم شخصی مورد نیاز عروس می‌باشد، که همگی به هم وصل شده و معمولاً مادران این وسایل را اندک‌اندک از دوران کودکی برای فرزندان‌شان جمع می‌کنند. «سویجلیک» نیز عبارت است از کیسه، یا بسته‌ی کوچکی که داخل آن را با ثقل و کشمش و نخود و سگه‌های پول پُر می‌کنند و مادر عروس پس از تحویل گرفتن وسایل از نماینده مادر داماد، با همراهی زنان فامیل، به یک اتاق مجزا رفته و در آن اتاق دوقوزها و سویجلیک‌ها را باز کرده، سپس محتویات سویجلیک را بین افرادی که در اتاق حضور دارند تقسیم می‌کند و افراد حاضر در اتاق دوقوزها را به عنوان تبرک به پیشانی خود می‌زنند و چنین روزی را برای فرزندان خود آرزو می‌کنند. در میان وسایل مختلفی که برای عروس برده می‌شود، یک جفت کفش و یک جفت جوراب که هردو سفیدرنگ هستند، نیز وجود دارد.

در میان طایفه نُخوری، آماده نمودن عروس هم آداب و رسومی دارد، که برخی از این آداب و رسوم عبارتند از: بستن پیشانی‌بند سفید به نیت سفیدبخت شدن عروس. این کار توسط زنی انجام می‌شود که در میان نُخوری‌ها به «کدخدایال» شهرت دارد؛ این زن باید دارای ویژگی‌هایی چون «حُسن‌شهرت و اعتبار، شوهردار، دارای فرزندان و نوادگان زیاد، مشهور به موفقیت، خوشبخت و...» باشد. علاوه براین، آن زن باید، تنها یک‌بار ازدواج کرده باشد، زن اول شوهرش بوده و هُوو هم نداشته باشد و فرزند پسر به دنیا آورده باشد و تک‌زا هم نباشد. خصوصاً اگر زنی بیوه و یا بدون فرزند باشد، اجازه این کار را به او نمی‌دهند و این مورد را خوش‌یمن نمی‌دانند. به هر حال، زن توصیف‌شده، با گفتن «بسم‌الله»، لباس‌های عروس را به او می‌پوشاند و ضمن آرزوی خوشبختی و زندگی خوش با همسر آینده و صاحب فرزندان زیاد شدن، او را زیبا و آراسته ساخته و سوار ماشین می‌کند.

شبیه این باور را در میان گوکلان‌های ساکن چنارلی هم شاهد هستیم؛ از میان زنانی که برای آوردن عروس به خانه والدین عروس می‌روند، زنی که سنّ‌اش از دیگران بیشتر و دارای چندین فرزند و نوه و در ضمن سرآمد و مشهور، با تجربه، دولتمند، ثروتمند و دارای شأن و اعتبار است، روسری ابریشمی مخصوص عروس به نام «چاشوو» و یا «کورتَه» بر سر عروس می‌گذارد. البته تذکر این نکته لازم است که ابتدا زنان خانواده‌ی داماد از لحظه حرکت از خانه‌ی خود به سمت خانه‌ی عروس، این روسری را روی سرِ زنِ مسنّ یادشده می‌گذارند و آن زن در خانه‌ی عروس این پوشش را از سرِ خود برداشته و بر سر عروس می‌گذارد. این اقدام با این باور انجام می‌شود که عروس هم مانند این خانم دارای بخت و اقبال و دولتمند و خوشبخت و دارای عمر طولانی خواهد شد.

■ پوشش عروس

تقریباً در بین تمامی اقوام جهان در ارتباط با پوشش عروس، غالب‌ترین و شاخص‌ترین رنگ، رنگ سفید و سپس رنگ‌های شاد و مفرح، مانند رنگ قرمز و مشتقات آن، مانند صورتی و بنفش و ... است. پیش از این، درباره اهمیت رنگ سفید در باورهای ترکمنان اشاراتی داشته‌ایم. باورهای مرتبط با این رنگ، در پوشش ترکمنان نیز مورد توجه است؛ چنان‌که رنگ سفید را مقدس شمرده و خوش‌یمن می‌دانند. با همین باور، به پیشانی عروس روسی سفید می‌بندند، یا در برخی از نواحی شمالی، شرقی و غربی ترکمنستان، بر سر عروس روسی بزرگ و سفیدی به نام «آق‌یاغلق» یا «بۆرنچک» می‌پوشانند. رنگ سفید به عنوان نماد بخت نیکو و خوشبختی عروس، استفاده می‌شود و افزون بر آن، در باورهای مردم ترکمن، رنگی مقدس و الهی به‌شمار می‌رود. در عشق‌آباد نیز وقتی عروس برای رفتن به خانه‌ی داماد آماده می‌شود، مادر و پدر عروس، در داخل یک روسری، تگه‌ای نان می‌گذارند و روسری را به پیشانی عروس می‌بندند و پس از آن روسری سفید و بلندی بر روی سرش می‌اندازند.

افزون بر رنگ سفید، بیشترین رنگ‌هایی که ترکمن‌ها برای پوشش دختر و عروس استفاده می‌کنند، رنگ‌های روشن و شاد، مانند: قرمز، صورتی و بنفش است. زیرا این رنگ‌ها نشان از زیبایی، خوش‌یمنی و خوشبختی دارند. رنگ قرمز، در لباس زنان ترکمن جایگاه خاصی دارد؛ لباس‌های قرمز کتانی را اغلب دختران دم‌بخت و در شُرُف ازدواج می‌پوشند. در ترکمنستان، یکی از توصیه‌های پدران و مادران به دختران دم‌بخت خود این است که در موقع ازدواج لباس کتانی قرمز بپوشند.

در میان ترکمن‌ها، لباس عروس از پارچه ابریشمی و به رنگ قرمز است؛ چراکه باور دارند رنگ قرمز انسان را از چشم‌زخم و ارواح خبیثه محافظت می‌کند. هم‌چنین، رنگ قرمز نماد جوانی، ثروت و شور و هیجان است. در بین ترکمن‌های تگه و گوگلان مرسوم است که بر سر عروس «کورتَه» (قرمز یا سبز) می‌اندازند و می‌توت‌ها غالباً از «چاشوه» که به رنگ قرمز است، استفاده می‌کنند. «کورتَه» روپوشی است، غالباً به رنگ‌های سبز یا قرمز. آستین، یقه و بسیاری از قسمت‌های این روپوش سوزن‌دوزی شده است. ترکمن‌های ترکمنستان به کورتَه‌ای که بر سر عروس می‌اندازند «گَلین کورتَه» می‌گویند.

در برخی از نواحی شمالی، شرقی و غربی ترکمنستان نیز پس از آن که روی سر عروس یک روسری بزرگ سفید (آق‌یاغلق یا بۆرنچک) انداختند، سپس نوعی روسری قرمز رنگ به نام «غَنزَل کُورته» (کُورته قرمز) قرار داده می‌شود، که این روسری به پوشش عروس‌ها اختصاص دارد. این روسری به صورت دست‌باف و توسط زنان تهیه می‌شود. بنابر باور عامه، برخی از نقوش و نمادهای دوخته شده بر روی این روسری، چشم‌زخم را دفع می‌کنند.

در نواحی غربی و شمالی ترکمنستان نیز، یک روسری بزرگ قرمز رنگ به نام «چاشوه» بر سر عروس پوشانده می‌شود. این پوشش به گونه‌ای است که صورت عروس را به‌طور کامل می‌پوشاند و هیچ‌کس قادر به دیدن

او نیست. باور عمومی بر این است که بدین ترتیب، عروس از چشم‌زخم و ارواح خبیث در امان خواهد بود. در بین ترکمن‌های عشق‌آباد نیز چنین مرسوم است که پس از آن‌که روسری بزرگ سفید را روی سر عروس قرار دادند، سپس کرته (کۆرته) را، که پارچه‌ای سوزن‌دوزی‌شده و به همین واسطه اندکی سنگین وزن است، بر سر عروس می‌گذارند. رسم بر این است که عروس تا چهل روز، هر وقت به بیرون از منزل می‌رود، این کرته را باید بر سرش بگذارد و به آرامی راه برود. به هر حال، عروس را با روسری قرمز (کورتیه) سوار کجاوه می‌کنند و این روسری قرمز نشانه‌ی خوشبختی محسوب می‌شود.

در ارتباط با پوشش عروس این نکته نیز لازم به ذکر است که در دوران باستان در بین ترکمنان اعتقاد بر این بود که عروس قابلیت تبدیل شدن به طعمه‌ای مطلوب برای ارواح شیطانی و سایر ارواح خبیث را دارد؛ به همین خاطر بود که صورت و تمام اندام عروس را به‌طور کامل می‌پوشاندند، تا از دید شیاطین پنهان و از شر شیاطین در امان باشد.

در ارتباط با پوشش عروس و به ویژه رنگ پوشش، باورهای دیگری نیز وجود دارد که چند نمونه از آن‌ها در ادامه بیان خواهد شد: برخی از ترکمنان باور دارند که هم شگون و هم بدئیمی از طریق پوشش انتقال می‌یابد؛ چنان‌که براساس همین باورها «قینقچ سفید» پیام‌آور روزگار خوش در زندگی عروس است و در مقابل، لباس تیره برای عروس بدئیم می‌باشد و پیام‌آور گرفتاری و مصیبت و رنج و محنت است. به‌طور کل، ترکمن‌ها رنگ سیاه را بدشگون دانسته و بر این باورند که بردن سوغات سیاه‌رنگ و آویزان کردن آت‌غولاق سیاه‌رنگ، خوش‌یمن نیست. به عبارت دیگر، استفاده از هر چیز سیاه‌رنگ نزد ترکمنان، بدئیم و مولد رنج و محنت است.

بنابر باور اهالی روستای دویدوق، واقع در خراسان شمالی، پوشش از نیروی ماورایی برخوردار است؛ چنان‌که برای محافظت عروس در برابر پلیدی، در روز نامزدي او، «داغدان» را به همراه «آلاجه» (آلاجا) برگردن عروس آویزان می‌کنند. لازم به یادآوری است که در باور ترکمن‌ها داغدان و آلاجه، هریک به تنهایی قادر به دفع چشم‌زخم هستند.

بر اساس همین باور، گاهی هدیه دادن لباس نیز به منظور انتقال نیروی آن است؛ چنان‌که هدیه دادن لباس بچه‌گانه در مراسم عروسی، به منظور انتقال نیروی باروری به عروس است. به‌طور کلی، لباس و زیورآلات در باور اهالی روستای دویدوق دارای نیروی شفا بخشی، خوش‌یمنی، پاکی و قداست است. در مورد نقش محافظتی لباس عروس، در بین ترکمن‌های ترکمنستان این باور وجود دارد که تقریباً تمام لباس‌های عروسی زنان ترکمن، علاوه بر آن‌که در ظاهر برای آراستن عروس استفاده می‌شود، به عنوان طلسم نیز عمل می‌کند؛ بر همین مبنا، در گذشته لباس عروس شامل طلسم‌های مختلفی بود که برای محافظت او در برابر ارواح شیطانی، حفظ سلامت و ایجاد آرامش طراحی شده بودند. به عنوان مثال، لباس عروس، که به‌طور سنتی قرمز بود، می‌توانست حتی حسادت دیگران را برانگیزد و «چشم‌بد» را

به خود جلب کند. علاوه بر این، سرتا پای عروس با طلسم‌هایی که دارای قدرت محافظتی هستند، تزئین می‌شد. هم‌چنین لباس‌های عروسی با نخ‌های پشم شتر، دندان خوک، صفحات نقره‌ای، مهره‌هایی به شکل «چشم» و غیره تزئین می‌شدند و یک کیسه مثلثی از زغال سنگ و نمک - که دارای خواص محافظتی هستند - روی ردای عروس دوخته می‌شد.

هم‌چنین، «غُزْزَل کُورْتَه» (روسری قرمز)، که روی سر عروس قرار می‌گیرد، دارای ده‌ها نقش و نماد سوزن‌دوزی است، که بنابر باور عامه، برخی از این نمادها قدرت دفع چشم‌زخم دارند. علاوه بر این، برای این‌که از عروس در برابر چشم‌زخم محافظت شود، همراه داشتن مقداری پشم شتر یا وسیله‌ای که از پشم شتر ساخته شده، امری ضروری تلقی می‌شود؛ چراکه به باور ترکمن‌ها پشم شتر یکی از قوی‌ترین دفع‌کننده‌های چشم‌زخم است.

عروس، همراه با لباس عروسی خود، زیورآلات سنتی و ملّی زنان ترکمن را نیز استفاده می‌کند، که این زیورها معمولاً از نقره، یا نقره با روکش طلا و سنگ‌های زینتی ساخته شده و غالباً علاوه بر این‌که قادر به دفع چشم‌زخم هستند، به عنوان طلسم‌های نگهبان در برابر نیروهای اهریمنی نیز عمل می‌کنند.

■ وداع والدین با دختر

زمانی که کاروان گلین آلیجی آماده‌ی بردن عروس هستند، پیش از آن‌که عروس قدم به بیرون بگذارد، پدر و مادرش در آستانه‌ی درِ اتاق، سه بار دست بر سر و صورت دختر می‌کشند و می‌گویند: «قیزیم! آلنینگ بخت‌نگ بولسون!» (خوشبخت باشی دخترم!)

در اغلب مناطق ترکمن‌نشین، چنین مرسوم است که موقع ازدواج دختر، پدرش در حق او دعای خیر می‌کند. اما چنان‌که دختر طبق خواسته‌ی پدر و مادرش عمل نکند، در حق او دعای خیر بر زبان نخواهند آورد. در این رابطه ترکمن‌ها بر این باورند که اگر کسی مورد نفرین پدر و مادرش قرار گیرد، زندگی او روبه‌راه نخواهد شد. اما هنگامی که در حق دختر دعای خیر می‌شود و او را با آبرو و احترام روانه‌ی خانه شوهر می‌کنند، غالباً دعا‌های زیر را به زبان می‌آورند:

باران پیرینگده باغتئنگ بؤلسون،

طئللادان تاغتئنگ بؤلسون،

طئللادان تاغتئنگ بؤلپانچا،

ایکی بارماق باغتنگ بؤلسون،

غۇشولانئنگ بیلن غۇشا غاررا!

در مجموع، با این دعاها برای دختر آرزوی بخت و شانس کرده و هم‌چنین دعا می‌کنند که دختر به پای همسرش پیر شود.

■ حرکت دادن دختر از خانه پدر و مادر به خانه شوهر

قبل از حرکت کاروان عروس، ینگه‌ی دختر به گردن شتر «آلاجا» یا «آلاجا یۆپ» (نخ سیاه و سفید ریسیده شده) می‌بست، تا به کاروان عروس چشم نخورد. علاوه بر این، به دست عروس هم «آلاجا» یا نخ سیاه و سفید ریسیده شده از پشم شتر می‌بست و دعا می‌کرد که از چشم‌زخم و زخم‌زبان در امان بماند. بعضی از ترکمن‌ها، مرکب سفید را نشانه‌ی خوش‌یمنی دانسته و بر این باورند که اگر عروس سوار بر مرکب سفید باشد، «سپیدبخت» خواهد شد و بنابر همین باور، مرکب سیاه و زرد را خوش‌یمن نمی‌دانند.

در عشق‌آباد مرسوم است که وقتی می‌خواهند دختر را از خانه‌ی پدر و مادرش ببرند، یکی از دوستان صمیمی داماد، که به عنوان برادر داماد محسوب می‌شود، یک شال را سه بار به دور کمر عروس بسته و باز می‌کند و در آخرین بار که شال را به دور کمر عروس بست، لبه‌ی شال را گرفته و عروس را تا نزدیک ماشین عروس همراهی می‌کند. آن‌ها در مکانی قرار می‌گیرند که داماد بتواند از بالای سر عروس، شکلات و اسباب‌بازی‌های کوچک و سبک را پخش کند و دیگران تلاش می‌کنند آن‌ها را به عنوان تبرک بگیرند. شکلات نشانه‌ی شیرینی و حلاوت و اسباب‌بازی هم به نشانه‌ی تولد فرزند سالم است.

تقریباً در بین بسیاری از طوایف ترکمن چنین مرسوم است که وقتی عروس را سوار کجاوه یا ماشین می‌کنند، مادر عروس مقداری آرد را به علامت سفیدبختی به پیشانی عروس می‌ریزد و یا بر پیشانی اسب، یا شتر و امروزه بیشتر بر کاپوت اتومبیل آرد پاشیده می‌شود، که این رسم نیز با باور سفیدبخت شدن عروس همراه است؛ غالباً مادر عروس با بیان دُعای «اوغور بخیر» و «خوشبخت بشوی» چنین اقدامی کرده و بدین طریق برای فرزند خود خوشبختی و سعادت را آرزو می‌کند. به‌طور کل، امروزه ریختن آرد سفید روی ماشین عروس، از نظر ترکمنان با خوش‌یمنی همراه است.

آرد، به عنوان قوت اصلی و پایه‌ای‌ترین منبع غذای انسان، نماد سرچشمه‌ی حیات انسان‌ها محسوب شده، بنابراین به واسطه‌ی پاشیدن آرد، آرزو می‌کنند که رزق و روزی این دو جوان همیشه از راه حلال به دست آمده و همیشه در خانه‌ی آن‌ها آرد مهیا باشد.

آرد، در بین مردم ترکمن دارای نوعی تقدس بوده و برای آنان حکم قَسَم را دارد، بنابراین، با پاشیدن آرد، دو خانواده باهم قسم یاد می‌کنند که نهایت تلاش خود را در زمینه خوشبختی فرزندان‌شان داشته و هیچ موقع دخالت بی‌جا در زندگی زناشویی آنان نداشته باشند. هم‌چنین از کارکردهای اعتقادی آرد در بین ترکمن‌ها این است که باور دارند به تیمن و تبرک آرد، این وصلت و ارتباط خانوادگی میان آنان هزاران سال به‌طول انجامیده و حتی نوه‌ها و نتیجه‌هایشان این ارتباط را استحکام خواهند بخشید.

این نکته لازم به یادآوری است که ترکمن‌ها از نظر سبک زندگی، از دوران باستان به دو گروه «چاروا» و «چومور» (چومور) تقسیم شده‌اند؛ شغل اصلی چارواها که جزو طوایف کوچ‌رو بودند، دامداری و شغل اصلی چومورها که جزو طوایف نیمه‌کوچ‌رو بودند، کشاورزی و در کنار آن اندکی دامداری بود. از سوی دیگر، همان‌طور

که می‌دانیم آیین «قربانی کردن»، به عنوان یکی از آیین‌های رایج در راستای شکرگزاری، پیش‌کش به خدا یا خدایان و هم‌چنین مطالبه‌ی خواسته‌ها و حاجات، یک آیین جهانی کهن و شناخته شده است. در دوران باستان، تنها جانوران قربانی نمی‌شدند، بلکه گیاهان را نیز قربانی می‌کردند؛ غالباً مناسباً قربانی کردن جانوران (حیوانات) با ریختن خون و کشتن حیوانات انجام می‌شد و قربانی کردن گیاهان نیز با کوبیدن گیاهان و ریختن عصاره‌ی آن‌ها صورت می‌گرفت. بنابر توضیحات ارائه شده، این احتمال وجود دارد که باورهای ترکمن‌ها در ارتباط با «آرد» (آرد گندم، برنج، جو، ذرت و...)، یادگاری از باورهای دوران باستان این قوم بوده، آنان علاوه بر قربانی کردن گوسفند و گاو و شتر و... در مراسم عروسی، دانه‌های غلات - به ویژه گندم و برنج - را کوبیده و قربانی (آرد) کرده و این قربانی را نثار عروس یا دیگران می‌کرده‌اند. علاوه بر این، یک احتمال دیگر نیز وجود دارد و آن این‌که، همانند جشن آب‌پاشان یا آبریزگان، که به روایتی به منظور غسل و پاکی و به روایت دیگر به منظور طلب باران، انجام می‌شده، سنت پاشیدن آرد نیز برگرفته از آیینی مشابه به آب‌پاشان بوده؛ شاید ترکمن‌های باستان با عنایت به سفیدی رنگ آرد، آن را به نشانه‌ی پاکی و روشنایی و سپیدبختی و نیز شاید در طلب ازدیاد محصول و فراوانی نعمت و افزایش رزق و روزی، پاشیده و نثار یکدیگر می‌کرده‌اند!

■ نمادشناسی و شناخت باورهای مرتبط با هدایا و تحفه‌هایی که در مراسم عروسی ردوبدل می‌شود

در برخی ایالت‌های ترکمن‌نشین چنین مرسوم است که در مراسم عروسی، والدین عروس اندکی نمک و برنج داخل یک آفتابه‌ی سفید بی‌دسته می‌ریزند و این آفتابه را به دست دختر خود می‌دهند. این مورد نیز با این نیت انجام می‌شود که دختر صاحب فرزندان زیاد و رزق و روزی فراوان شود. براساس باوری مشابه که البته کمتر رایج است، از طرف خانواده و یا پدر و مادر عروس، یک ابریق که داخل آن مقداری نمک و برنج ریخته‌اند، هدیه داده می‌شود و با این کار برای عروس طلب برکت و فراوانی روزی و هم‌چنین تعدد فرزند می‌کنند. علاوه بر این، برای این‌که زندگی عروس همیشه سرشار از شادی، آرامش و برکت باشد، یک جفت بشقاب و قاشق به او هدیه داده می‌شود.

در میان گوکلان‌های ساکن روستای چنارلی استان گلستان هم باوری شبیه به مورد بالا - البته با مقداری تفاوت - وجود دارد؛ طبق این باور، یکی از چیزهایی که عروس از خانه پدری با خود به خانه داماد می‌برد، قاشق و کاسه است، که هر دو نماد برکت هستند؛ در واقع این کار با این باور و نیت انجام می‌شود که همیشه در زندگی عروس و داماد برکت وجود داشته باشد.

براساس سنتی دیگر، موقع عروس شدن دختر، مادرش باید یک ظرف به او بدهد؛ چراکه طبق باوری رایج، دختر در آن دنیا با همان ظرفی که مادرش به او داده، آب می‌نوشد.

در برخی مناطق نیز موقع عروسی دختر، «چراغ بخت» را روشن کرده و به دست او می‌دهند. این مورد با این

باور انجام می‌شود که راه عروس و داماد در مسیر زندگی جدید روشن شود. اگر این چراغ تا زمان رسیدن به خانه‌ی پدر و مادر داماد خاموش نشود، علامت و نشانه خوبی محسوب می‌شود؛ بدین معنا که زن و شوهر جوان با هم همدل و در کارشان موفق شده و نیز راه‌شان پیوسته روشن خواهد شد.

در باوی دیگر، افرادی که برای بردن عروس آمده‌اند، قبل از برگشتن، بدین منظور که دختر خوش‌شانس باشد، به ینگه‌ی او چراغ گازی یا چراغ نفتی می‌دهند. ینگه هم موقع رفتن ماشین دختر از خانه‌ی پدری‌اش، کوزه می‌شکنند و در باوری مشابه مورد بالا، برای این که راه عروس روشن، بختش باز و بدی‌ها به یاری آتش و نور نابود شوند، ینگه‌ی دختر، با شمعی روشن در اطراف می‌چرخد.

در برخی نواحی شرقی و جنوب شرقی ترکمنستان، چنین مرسوم است که هنگام خروج عروس از خانه‌ی پدری، ینگه‌ای که همراه عروس است، در کنار او شمع یا چراغ نفتی روشن کرده و در طول مسیر خانه‌ی پدر عروس تا خانه‌ی پدر داماد، تلاش می‌شود این شعله روشن مانده و خاموش نشود. این رسم با این باور انجام می‌شود که در صورت خاموش نشدن شعله، بخت دختر نیز روشن و همانند نور، درخشان خواهد بود. در واقع، روشنی راه تازه عروس و داماد بدین معنی است که در زندگی مشترک مسیر غلط و درست را تشخیص خواهند داد، موانعی که پیش پای آنان قرار می‌گیرد را به روشنی خواهند دید و بر سر دوراهی‌های زندگی دچار تردید و تشویش نخواهند شد.

طبق سنتی دیگر، به هنگام فرستادن دختر به خانه‌ی بخت، کیسه‌ای کوچک همراه او می‌فرستند، که داخل آن کیسه چیزی شیرین مثل کلوچه، کشمش و قیسی می‌گذاشتند و در گذشته به آن، «کیسه کوچک عروسی» می‌گفتند. البته در عصر حاضر این باور تغییر شکل داده، به جای آن کیسه، ظرفی بزرگ را از میوه‌های مختلف پُر می‌کنند. بنابر این باور، عروس و داماد باید آن چه که داخل کیسه‌ی کوچک عروسی گذاشته شده (کلوچه و تنقلات شیرین) و یا میوه‌هایی که در ظرف بزرگ پُر کرده‌اند، را باهم خورده و به خویشاوندان خود نیز باید بچشانند. این رسم نیز با این آرزو و نیت انجام می‌شود که عروس و داماد در خوشی و خرمی زندگی کنند.

موقع ازدواج دختر، دوستان و هم‌سن و سال‌های او انواع اسباب‌بازی و عروسک را به او هدیه می‌دهند، اهدای اسباب‌بازی با آرزوی پسر دار شدن عروس و اهدای عروسک با آرزوی دختر دار شدن عروس، همراه است. علاوه بر این، هدیه دادن لباس بچه‌گانه به عروس، به منظور انتقال نیروی باروری به عروس است. در بین وسایلی که دختر به عنوان جهیزیه از خانه پدر به خانه شوهر می‌برد، باید یک بقچه‌ی دستی باشد که در داخل آن آینه و شانه‌ی سر، گذاشته‌اند. به آینه‌ی داخل بقچه دستی «آینه بخت» می‌گویند. اعتقاد بر این است که به محض آمدن عروس به خانه شوهر و باز شدن بقچه، هر دختر دم‌بخت که زودتر صورت خود را در آن آینه ببیند، صاحب شانس و اقبال خواهد شد. این بقچه‌ی دستی برای یک زن ترکمن، دقیقاً هم چون نام مقدسی است که پدر و مادر بر او نهاده و همراه همیشگی اوست.



باتوجه به این‌که تمامی طوایف ترکمن، از دوران باستان کم و بیش به دامداری اشتغال داشته و به عبارت دیگر دامداری با فرهنگ معیشتی آنان پیوندی ناگسستنی داشته، یکی از تحفه‌ها، یا جهیزیه‌ای که خانواده عروس به او می‌داده‌اند، گوساله یا گاو ماده بوده است. بنابر همین سنت، اگر بعد از ازدواج دختر، پدر و مادرش به او گوساله، گاو ماده و یا حیوان دیگری ندهند، می‌گویند: دخترشان در آن دنیا، برای شستن سر خود به دنبال ماست می‌گردد. این باور نشان می‌دهد که اهداء گوساله یا گاو ماده و یا بره و گوسفند ماده، به منظور تأمین یکی از مواد غذایی پایه، یعنی «شیر» بوده است.

در ارتباط با پیوند تنگاتنگ فرهنگ باستانی مردم ترکمن با زندگی دامداری، یکی از سنت‌های رایج در اغلب مراسم آنان، اعم از سوگواری‌ها و جشن‌ها و به‌ویژه در عروسی‌ها، قربانی کردن چهارپایان، به‌ویژه گاو و گوسفند در تمام مراحل مراسم ازدواج از خواستگاری تا عروس‌کشان، بوده است. به همین مناسبت، در بین ترکمنان باورهایی در ارتباط با تحفه‌هایی از اعضای حیوان قربانی‌شده، وجود دارد؛ چنان‌که در بین برخی از ترکمن‌ها چنین مرسوم است که دو پای جلوی حیوان ذبح شده را در خانه عروس می‌پزند و همراه با کاروان عروس، به خانه‌ی شوهر می‌فرستند؛ این رسم نیز با این باور انجام می‌شود، که به یمن این هدیه، دختر در خدمت به پدر و مادر داماد چابک و فعال باشد. در ارتباط با همین باورداشت، دو پای عقب حیوان ذبح‌شده را نیز در خانه‌ی عروس نگاه می‌دارند، با این نیت که دختر با خانواده پدری قطع رابطه نکرده، یا جوانان (عروس و داماد جوان) پدر و مادر خود را فراموش نکنند.

علاوه بر این‌که در جریان مراسم عروسی، پاچه‌ی چهارپای حلال‌گوشت به عنوان نماد چالاک‌ی و چابکی



عروس و نیز نماد تداوم ارتباط با والدین است، در باوری دیگر، پاچه‌ی حیوان به عنوان نماد شگون و خوش‌یمنی و خوش‌قدمی در نظر گرفته می‌شود؛ چنان‌که بنابر باور برخی از ترکمن‌ها، در زمانی که عروس را به خانه داماد می‌آورند، پاچه‌ی دامی را که در خانه عروس قربانی کرده‌اند، با خود آورده و آن را از بالای همان دری که عروس وارد خانه‌ی شوهر شده، آویزان می‌کنند، به این باور که پای عروس خوش‌یمن باشد و با گذاشتن پای خود به داخل خانه‌ی شوهر، شگون و خوش‌یمنی را با خود به ارمغان بیاورد. در باوری دیگر، خانواده عروس، جگر و قلب حیوان ذبح شده را پخته و به همراه کاروان عروسی می‌فرستند، تا عروس و داماد در

نخستین شبی که به خانه جدید خود رفتند، این جگر و قلب را بخورند. در مواردی هم خانواده‌ی عروس جگر و قلب را نپخته و خام می‌فرستند، تا در خانه مادرشوهر آن را پخته و به داماد و عروس بخوراند. این اقدام با این نیت انجام می‌شود که دل زوجین به هم پیوند خورده و قلب‌شان یکی بشود. در بین ساکنان کوموش‌دپه (گمیش‌تپه) نیز چنین مرسوم بود که مقداری از دل حیوانی که برای عروسی ذبح شده بود را برای عروس و داماد نگاه می‌داشتند، تا وقتی در «اُریک اُوی» (خانه یکی از نزدیکان داماد) احساس گرسنگی کردند، آن را بخورند. هم‌چنین رسم بر این بوده است که این دل را باید افراد مورد اطمینان و نزدیک به خود داماد بپزند و در این مورد بر این باور بوده‌اند که عروس و داماد با خوردن این دل، در هم‌دلی و عشق به یکدیگر، در طول زندگی با دل و جرأت خواهند شد. علاوه بر این، وقتی خانواده عروس دل و جگر قربانی را به خانه‌ی داماد می‌فرستند، می‌تواند به این مفهوم باشد که ما تگه‌ای از قلب و جگرپاره‌ی خود را به خانه‌ی شما فرستادیم.

بنابراین، طبق باورهای عامیانه، خوردن دل و جگر حیوان قربانی‌شده، موجب پیوند قلبی، هم‌دلی و شدت یافتن و استحکام عشق بین زوجین خواهد بود و هم‌چنین در وفاداری و عشق به یکدیگر، با دل‌وجرات و شجاع خواهند بود و یا پختن دل و جگر خام در خانه‌ی شوهر، موجب نرم شدن دل عروس نسبت به شوهر و خانواده‌ی او و دل داماد نسبت به همسر و خانواده‌اش و هم‌چنین ایجاد مهر و عطفیت بین طرفین می‌باشد. اما از منظری دیگر، از یک سو قلب و جگر حیوان ذبح‌شده (گوسفند یا گاو) طبعی گرم دارد و خوردن آن موجب گرم شدن طبع عروس و داماد و تقویت قوای جنسی آن‌ها شده و از سوی دیگر، طبق یک باور سنتی که البته امروزه از نظر علمی نیز ثابت شده، دل و جگر حیوان خون‌ساز است، یا به عبارت علمی و تخصصی دل و جگر حاوی مقادیر قابل توجهی اسید فولیک (آهن و روی) است که به سرعت جذب خون شده و در نهایت در تقویت قوای جسمانی و نیز قوای جنسی عنصری تأثیرگذار محسوب می‌شود. چنان‌که در «افسانه‌های پیدایش» رایج

در بین قوم ترکمن، در ارتباط با پیدایش سه طایفه «تگه»، «یموت» و «گوکلان»، این سه طایفه را فرزندان سه زن می‌دانند که هر سه یک شوهر واحد داشته و در دوران بارداری آنان، شوهر برای هر کدام از آنان حیوانی را شکار کرده و جگر هریک از سه حیوان شکار شده را به یکی از زنان باردار خود خورانده و در نتیجه‌ی خوردن هریک از این جگرها، یکی از طوایف یادشده‌ی ترکمن پدید آمده است. در این ارتباط می‌توان به باورهای اقوام نخستین؛ یعنی اقوام شکارچی، در ارتباط با خوردن تگه‌ای از قلب یا جگر خام حیوان شکارشده، با نیت هم‌پیمان و هم‌قسم شدن و انعقاد پیمان برادری، اشاره کرد.



در ارتباط با تحفه دادن اجزاء حیوان قربانی در مراسم عروسی، رسم دیگر آن است که به همراه کاروان عروس که از خانه پدر به خانه‌ی شوهر می‌رفت، یک «دوش» گوسفند؛ یعنی گوشت و استخوان مثلث شکل سینه‌ی یک گوسفند را که سکه‌های نقره به آن می‌آویختند، با خود به خانه داماد می‌بردند. علاوه بر این، در گذشته چنین معمول بود که خانواده‌ی داماد تعدادی اسکناس (پول کاغذی) را با «آلاجیوپ» (نوعی نخ)، به قسمتی از «دوش» می‌بستند و آن را به خانه عروس می‌بردند. البته این رسم امروزه نیز معمول است.

■ آن چه که عروس نباید از خانه پدر خود به خانه شوهر ببرد

دختر پس از ازدواج نباید از خانه پدر، سوزن جارو و چاقو با خود ببرد؛ چراکه بردن سوزن موجب لاغری و ضعف، بردن جارو موجب کم‌توانی و بردن چاقو سبب بروز اختلاف خواهد شد. در باوری دیگر، هیچ دختری نباید بعد از ازدواج از خانه پدرش، فلفل، پیاز، نمک، سوزن، جارو و هم‌چنین چیزهایی با طعم تلخ را با خود ببرد. در مورد این باورداشت می‌توان گفت: فلفل نماد تُندی و عصبانیت، خوراکی‌های دارای طعم تلخ، نماد تلخ‌کامی در زندگی، پیاز نماد ناراحتی و گریه کردن است و توصیه به این‌که دختر این چیزها را از خانه پدر با خود به خانه شوهر نبرد، به این معنی است که دختر تُندی‌ها، تلخ‌کامی‌ها و ناراحتی‌هایی که در خانه‌ی پدر تجربه کرده را با خود به خانه شوهر نبرده و زندگی جدیدی را در آرامش و خوشی آغاز کند. از سوی دیگر، فلفل، نمک، پیاز و خوراکی‌های تلخ، عبارت هستند از تمامی مزه‌هایی که خوردن مقدار زیاد آن‌ها موجب ترش‌رویی و ناراحتی می‌شود. در مورد سوزن هم که آن را موجب لاغر و ضعیف شدن دختر می‌دانند، نشان می‌دهد که ظاهراً این باور ریشه‌ای بسیار دیرینه دارد و به دورانی بازمی‌گردد که سوزن‌ها را از استخوان حیوانات می‌ساختند. بنابراین، از یک سو بردن بخشی از استخوان مردار از خانه‌ی پدری به خانه‌ی بخت، بدیمن تلقی شده و از سوی دیگر، سوزن که از استخوان ساخته شده، نماد اسکلت جانور و در نهایت نماد لاغری و ضعف خواهد بود. در مورد

جارو و نمک نیز به نظر می‌رسد، بیشتر به جارویی که در خانه پدر استفاده شده و نیز نمکی که مدت‌ها در خانه پدر مانده بوده، اشاره دارد؛ چراکه بنابر اعتقاد مردمان باستان، جارو آلوده به پلیدی‌ها و ناپاکی‌هاست و به همین خاطر هم هست که می‌گویند پیش از حلول سال نو، باید جاروهای کهنه را از خانه بیرون انداخت و جاروی نو به خانه آورد. در مورد نمک نیز این باور وجود دارد که نمک، انرژی‌های منفی و چشم‌زخم را به خود جذب کرده و موجب جلوگیری از اصابت نیروهای شرّ و شیطانی به اعضای خانواده می‌شود، بنابراین نمکی که مدت‌ها در خانه پدر مانده، حاوی انرژی‌های منفی خواهد بود.

■ باور به بازشدن بخت، توسط عروس یا متعلقات او

اگر دختر مجردی، پیش از دیگران روی تُشکی بنشیند، که عروس برای آخرین بار در خانه پدرش روی آن نشسته، بخت او نیز باز خواهد شد.

دختران مجرد، برای آن‌که بخت‌شان باز شود، اسم خود را زیر کفش عروس می‌نویسند؛ براساس این باور، نخستین دختری که اسم او از کف کفش عروس پاک شود، زودتر از بقیه دختران عروس می‌شود. طی مراسم عروسی، وقتی که عروس از خانه پدر و مادرش خارج می‌شود، مُشت خود را در زیر چادرش پُر از برنج کرده، به‌هنگام راه رفتن و بی‌خبر از دیگران (مهمانان)، آهسته‌آهسته دانه‌های برنج را از لای انگشتان خود آزاد کرده و تا زمان خارج شدن از خانه، این کار را ادامه می‌دهد. این کار با این نیت انجام می‌شود که همه‌ی دختران مجرد فامیل و آشنا، بعد از او به سرعت عروس شده و مانند او به خانه‌ی بخت بروند. بنابراین روایتی دیگر، عروس این مُشت برنج را اندک‌اندک پشت سر دختران دم‌بخت می‌پاشد و هم‌زمان اسم آنان را نیز بر زبان می‌آورد.

■ برداشتن تحفه از خانه عروس، به‌عنوان شگون

در بین برخی از طوایف ترکمن چنین مرسوم است که خویشاوندان داماد از خانه عروس بعضی از چیزها را به‌صورت پنهانی برمی‌دارند و یا حتی می‌دزدند. به باور آنان «اگر از خانه عروس چیزی برداشته شود، در خانه خودشان هم عروسی و یا گردهمایی دیگری برگزار خواهد شد».

برخی از تیره‌های طایفه نُخوری، از خانه پدر عروس، اشیایی چون میخ‌طویله، میخ و در گاهی چند استکان برمی‌دارند و به خانه داماد می‌برند؛ با این باور که عروس به خانه جدید دلبستگی پیدا کرده و تعلق خاطر بیابد و دلبستگی به خانه پدری خود را از دست بدهد. برای نمونه، وقتی میخ‌طویله را از خانه پدر عروس می‌آورند، بر این باورند که عروس چون میخ‌طویله به خانه جدید بسته خواهد شد. یا در بین برخی از تیره‌های طایفه نُخوری، مانند: دووک، سییس‌لر و خیوه‌لی، چنین مرسوم است که تگه‌ای از لباس پدر عروس را می‌دزدند و به منزل پدر داماد می‌برند، زیرا آنان بر این باورند که این کار باعث ازدیاد رفت‌وآمد و پیوند بیشتر در میان دو خانواده خواهد شد.

البته در میان گوکلان‌های ساکن چنارلی این‌گونه مرسوم است که خود خانواده عروس میخی را به خانواده داماد می‌دهند و خانواده داماد نیز آن میخ را به دیوار خانه خود می‌زنند، تا عروس پایبند به آداب و رسوم خانواده شوهر خود باشد.

برخی از گوکلان‌ها هم بر این باورند که اگر به صورت پنهانی از محل برگزاری جشن عروسی، وسایلی مانند: کاسه، قاشق، قوری و این‌گونه چیزها را بردارند، چنین خوشی و عروسی نصیب آنان نیز خواهد شد. این مورد را کم و بیش در مناطق دیگر هم می‌توان مشاهده کرد، چنان‌که در ترکمنستان وقتی که گروهی از سوی داماد برای آوردن عروس به خانه پدر عروس می‌روند، به‌طور پنهانی از خانه آن‌ها «چوب آتشکاو» برداشته و به خانه داماد می‌آورند. این اقدام بدین معنای مثبت و نیک می‌باشد که همیشه تنور عروس پُر از آتش بوده و رزق و روزی او وافر باشد.

■ منابع و مآخذ

- آقی‌پور، مجید (۱۳۹۶). دورت بوغون (چهاربند): جستارهایی در فرهنگ شفاهی قوم ترکمن با تکیه بر مطالعه‌ی میدانی در کوموش‌تپه. گرگان: انتشارات مختومقلی فراغی، چاپ اول.
- آنآقربانف، باشیم (۱۳۸۱). جشن عروسی ترکمن‌های آنولی. ترجمه مرضیه اونق. فصل‌نامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی یاپراق: شماره ۱۶ و ۱۷، صص ۱-۹.
- آبیرونز، ویلیام (۱۳۸۶). ترکمن‌های یموت: مطالعه سازمان اجتماعی یک جمعیت ترک‌زبان در آسیای مرکزی. ترجمه: محمدمامین کنعانی. تهران: افکار، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده مردم‌شناسی، چاپ اول.
- اونق، خان‌گلدی (۱۳۸۴). بافت کتانی در بین ترکمن‌ها. فصل‌نامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی یاپراق: شماره ۲۹-۲۷، صص ۵۹-۵۸.
- اونق، نازمحمد (۱۳۸۰). مراسم جشن عروسی در سال ۷۷ در بین ترکمن‌های جعفربای شرقی. فصل‌نامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی یاپراق: سال چهارم، شماره ۱۳-۱۱، صص ۵۰-۴۸.
- ذوالفقاری، حسن و علی‌اکبر شیری (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: نشر چشمه، چاپ دوم.
- ذوالفقاری، شکوه‌اعظم (۱۳۸۳). مراسم عروسی در بین ترکمن‌های نخورلی، به روایت: فاطمه وحیدی. فصل‌نامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی یاپراق: سال هفتم، شماره ۲۶-۲۳، صص ۴۴-۳۸.
- رهنما، ناصر (۱۴۰۲). سیری کوتاه به آداب و رسوم ترکمن‌های خراسان شمالی، بخش دوم (پایانی). فصل‌نامه فرهنگی، ادبی، اجتماعی دانش صحرا: شماره ۵، سال دوم، پاییز ۱۴۰۲، صص ۴۰-۳۶.
- عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه (۱۳۹۹). خودتزیینی زنان ترکمن، درآمدی بر انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- عطار، ربابه (۱۳۸۶). عروسی و ازدواج در عشق‌آباد. فصل‌نامه بین‌المللی فرهنگی، ادبی، اجتماعی یاپراق:

شماره ۳۹ و ۴۰، صص ۴۱-۴۰.

-قوجق، یوسف (۱۳۹۲). مردم‌شناسی نمادهای مناسک گذار (تولد، ازدواج و مرگ) انسان در قوم ترکمن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

-کلته، ابراهیم (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر ترکمن، گنبدکاووس: حاجی‌طلایی، چاپ اول.

-معطوفی، اسداله (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمنان (ج ۳). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.

-منصوربخت، قباد و معصومه حسینی (۱۳۹۴). آداب ازدواج ایرانیان در دوره قاجار از منظر سفرنامه‌ها. خردنامه: شماره ۱۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۴۱-۱۱۷.

-میرمیران سلاکجانی، سیدمجتبی و آلاله عابدی (۱۳۹۴). آیین‌ها و نمادهای تشرف در فرهنگ ترکمن و گالش. رشت: انتشارات دهسرا، چاپ اول.

Goçmyrdow, B (1995). Türkmen halk ыrymlary, aşgabat, Magaryf.

GOÇMYRADOW HOJAMYRAT (2010). TÜRKMEN Halk döredijligi, Aşgabat.

Halk içindeki ыrymlar Atavatan türkmenistan 2020.08.04

Gurbanow H.D. we A.Gurbagulyýewa (2010).Türkmenistanyň etnologiýasy.

*Türkmenistanyň ýokary okuw mekdepleriniň taryh hünäriňiň talyplary üçin okuw kitaby. Aşgabat.

Penciýev, murat, sultanova, Ayna (2002).Lebab çarçov Türkmenlerinde Dügün

Adetleri, Türk Dünyası dil ve Edebiyat dergisi, 14, ss 265- 272

Özbay, ekrem 2019. Türkistanda parlayan bir yıldız türkmenistan, İstanbul, Hiperlink yayınları.

Өрәев Аразбай(1995) Адат. (Түркмениң мнлн дәп-дессурлары). А.: «Рух»

Tatlılıoğlu, durmuş (2000). türkmen “ırımları” (halk inançları), cumhuriyet

üniversitesi ilahiyat fakültesi dergisi hakemli dergi iv: sayı, *sıvas, 151 – 166

Tatlılıoğlu, durmuş (2001).Din sosyolojisi Açısından türkmen Ailesi Ve kuruluşu

Dügün Nikah Ve Boşanma. Akademik Araştırmalar Dergisi sayı: 9 - 10

TÖRE Maral(2014). TÜRKMENLERDE HALK KÜLTÜRÜ

(Halk Takvimleri, Haftanın Günleri ve Sâhetli Gün, Gelin Alma

Gelenekleri ve İnanışları) Muğla Büyükşehir Belediyesi Kültür Yayınları 29

Ylyasowa, gurbanjema1 (2005). Türkmen halk yrym – ynanchlary, ařgabat, miras.

<https://www.advantour.com/rus/turkmenistan/traditions/charms.htm>

<https://turkmenportal.com/ru/articles/1597>

■ اشخاص

- اسفندیاری، اینجی (۱۴۰۰). ۷۴ ساله، بی سواد، از طایفه نُخوری، ساکن بجنورد.
- بدخشان، قربان صحت (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). ۷۲ ساله، معلم بازنشسته و پژوهشگر فرهنگ عامه ترکمن، ساکن گنبد قابوس.
- حسین زاده، آرتق (۱۴۰۳). نویسنده و فعال فرهنگی. ساکن شهرستان کلاله.
- دهقان، ایمن باجی (متولد ۱۳۲۸). آداب و رسوم عروسی اهالی روستای شاه‌کو سفلی. در گفتگو با محمود اخوان مهدوی. تیرماه ۱۳۹۶.
- شهیدی، انسیه (متولد ۱۳۳۳). آداب و رسوم عروسی اهالی شهر گرگان. در گفتگو با محمود اخوان مهدوی. مهرماه ۱۳۹۰.
- قُجق، امیرحسین (۱۴۰۱). دانش آموز یازدهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- قوجق‌نژاد، محمدصفا (۱۴۰۱). دانش آموز یازدهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- محمدیان، محمدرکیم (۱۴۰۴). ۵۳ ساله، لیسانس معارف اسلامی، معلم بازنشسته و فعال فرهنگی، ساکن روستای چنارلی استان گلستان.
- مختوم، رجب (۱۴۰۰). ۵۹ ساله، شاعر و فعال فرهنگی، ساکن گنبد قابوس.
- مختوم، عمر (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس، اهل روستای سببه مختوم.
- مختومی، عرفان (۱۳۹۷). دانش آموز سال یازدهم ریاضی، ساکن گنبد قابوس.
- مرادی، نورمحمد (۱۴۰۰). ۵۰ ساله، دیپلم و فعال فرهنگی، از ترکمنان طایفه نُخوری، ساکن شهرستان بجنورد.
- ملتی، شهین (۱۳۹۹ و ۱۴۰۰). لیسانس علوم تجربی، معلم بازنشسته، ساکن گنبد قابوس.
- نوروزی، حمیدرضا (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). ۵۲ ساله، مهندس عمران آب و فاضلاب، از طایفه نُخوری ساکن بجنورد.
- یاردم صادقی، محمود (۱۴۰۳). لیسانس روزنامه نگاری و فوق لیسانس فلسفه، از ترکمنان افغانستان، ساکن ایران.

